

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله



تأثیر زبان فارسی بر زبان ترکی

پروفسور نوین قره بلا

مقدمه

تداخل در بین زبان ها

آمیزش و الفت در بین زبان های دنیا دقت زبان شناسان را بخود جلب کرده و بنا بر استناد به این قرابت زبانی، زبان هارا به عنوان خانواده ها و ساختار هایشان به چند گروپ تقسیم نموده اند. زبان شناسان، زبان های دنیا را از لحاظ مورفولوژیکی به سه گروه تقسیم کرده اند. آنها عبارت اند از: زبان های یک هجایی، زبانهای ترکیبی و زبان های تصریفی میباشند. نظر به تصنیف ساختار خانوادگی زبان ها، زبان های دنیا به سه دسته تقسیم شده است عبارت اند از:

اورال – آلتای

حامی – سامی

و هندی – اوروپایی است.

در بین زبانها قرابت های وجود داشته می باشد علی الرغم اینکه آن زبان ها مربوط به یک ساختار خانوادگی نباشند. در رأس این ها، قرابت های جغرافی؛ تاریخی، سیاسی، ادبی، فرهنگی و دینی را میتوان بشمار بُرد. طبق گفته افسان زبان، مهمترین عنصر یک فرهنگ بوده و در فعالیتها فرهنگی و روابط یک جامعه با جوامع دیگر بیشترین تأثیر را



بخود حمل میکند . "راغب خلوصی اوزدم" زبان شناس مشهور ترکی (ت ۱۸۹۳-۱۹۴۳) چنین بیان دارد : موجودیت عناصر اجنبی در یک زبان ، به موجودیت آثار محیط فرهنگی خلق های که مردم بومی با آنها روابط فرهنگی برقرار میکنند اشاره میکند . اسباب عمده تأثر زبان ترکی از زبان های فارسی و عربی قرابت های جغرافی، فرهنگی، ادبی، دینی و تاریخی بوده است . در این تبلیغ خود می‌خواهیم بر این تأثیر پذیری زبان ترکی از زبان فارسی سخنی چند بزبان آریم .

تأثیر زبان فارسی بر زبان ترکی

در تصانیف تاریخ ادبیات ترکی بعنوان "ادبیات دیوان" و یا بگفته دیگر "ادبیات کلاسیک ترکی" بطور قابل ملاحظه‌ادیاتی را در بر می‌گیرد که در تأثیر ادبیات عربی و فارسی بمیان آمده است . پس از مسلمان شدن ترکها و نیز با تأثیر این مدنیت زبان عربی در علم و زبان فارسی در ادبیات شروع به استعمال شده است . فواد کوپرولو (۱۸۹۰-۱۹۶۶) صد ها سال نمونه و سر مشق بودن ادبیات فارسی را برای ترکها و نه تنها کلمات عجم و و زن عجم و اشکال نظم فارسی و حتی روح و ذوق فارسی در ادبیات را ترکی را تأکید مینماید، او تأثیر ایرانی در ادبیات ترکی را بیرون از حد فکر میکند.

تأثیر زبان فارسی بر زبان ترکی در ساحة ادبیات شروع، و با گرفته شدن بعضی اوزان شعری، نوشته شدن نظیره ها به بعضی از آثار و بخصوص اوزان شعری که در ادبیات دیوان ترکی استعمال شده مناسبت آن به کلمات عربی و فارسی عواملی استند که سبب



انتقال بعضی عناصر اجنبی به زبان ترکی و فراموشی بعضی کلمات در زبان ترکی شده است.

در نتیجه تداخل زبان فارسی و ترکی نه فقط کلمات فارسی داخل زبان ترکی شده بلکه بعضی قواعد گرامری نیز داخل زبان ترکی شده است. مثلاً: جملات متشکل از ادات "که" در زبان ترکی قبلاً موجود نبوده و از طریق زبان فارسی به ترکی داخل شده است. جمله:

"Sen ki bunun do ru olmadı ını biliyorsun"

(تو که درست نبودن اینرا میداننی) میتوان مثال این باشد.

بعضی اضافت‌ها عربی و ترکی مستعملدر زبان ترکی در ساختار جمله‌های ترکی همانگونه مثل عناصر اجنبی در برابر ما قرار میگیرد. حسین کاظم قدری (۱۸۷۰ - ۱۹۳۴) در کتاب خود بنام "ترک لغاتی" چنین میگوید: "غیر از اینکه ما کلمات عرب و عجم را در لسان خود گرفتیم بر علاوه قواعد ساختار آن زبان هارا نیز در زبان خود تصاحب نمودیم. و همچنین در زبان خود (ترکی) آنقدر اسمها و صفت هارا به قاعده فارسی شکل دادیم که دراصل عربی بودند و آنها را بیک شکلی در آوردیم که نه فارسی زبانان میدانند نه عربها. این هارا در زبان خود و بشکل گرامر خود شکل میدادیم خوب میشد." . بگفته او گرفتن و تقلید گرامر یک زبان در زبان دیگر خطا است.



تداخل در بین زبان‌ها از قدیم تا کنون دقت زبان‌شناسان را بخود جلب نموده است. محمود کاشغری (ت ۱۰۸۵/۴۷۷) در این باره زبان ترکی چنین میگوید: صافترین و صحیحترین زبان، زبان آن کسانیست که زبان خود را خوب بلد بوده و با فارسی زبانان الفت و آمیزش صورت نگرفته باشد. کسانی که با دو زبان تکلم میکنند و با مردم شهر نشست و برخاست داشته باشد زبان شان فاسد مییاشد. " او با این گفته‌های خود به اهمیت زبان صاف و تأثر زبان ترکی از فارسی اشاره نموده است. زبان‌شناسان عرب در رابطه با پیامدهای زبان محدودیت‌های از لحاظ زمان و مکان آورده و کسانی که خارج از این محدودیت‌ها حرکت کرده باشد زبان او را دلیل قبول نکرده‌اند. و همچنین زبان‌شناسان عرب در باره عناصر اجنبی در زبان عربی و استعمال‌های آنها کتاب‌های نوشته کرده‌اند. خلاصه اینکه مسئله عناصر اجنبی در یک زبان مادری متخصصین آن زبان را مشغول ساخته است. ما در این تبلیغ خود عناصر اجنبی در زبان ترکی را بلکه موثرترین آنها از زبان فارسی مییاشد بطور خلاصه بیان خواهیم نمود:

۱. بیشترین عنصر لسانی که از فارسی به ترکی عاریت گرفته شده است کلمات فارسی مییاشد. تناقل کلمات بین زبان‌های همسایه در هر ادوار تاریخی دیده شده است. دوغان آقسان هم به این حقیقت اشاره نموده است.

کلماتی که از فارسی وارد زبان ترکی شده‌اند می‌توانیم چنین تصنیف کنیم:



۱- دینی، تصوّفی، ادبی، کلمات واصطلاحات مربوط به موسیقی :

در زبان ترکی بیشتر کلمات دینی - که اصل آنها عربی اند - از فارسی به ترکی داخل شده اند . مثلاً : کلمه های نماز در عربی "صلاة" است . بجای کلمه وضوء کلمه آبدست ، بجای کلمه صوم کلمه روزه (که امروز در ترکی آناتولی "اوروچ" است) ، بجای کلمه مسلم، مسلمان، و بجای کلمه رسول کلمه پیغمبر، بجای کلمه ذنب، کلمه گناه استفاده شده است .

به اصطلاحات تصوّفی کلمات چرخ، چهله، خام، کشکول؛ و به اصطلاحات موسیقی کلمات سه گاه ، چارگاه، بسته، گفته، آهنگ و بوسلیک را میتوان مثال داد .

ب - اسمهای خاص :

از زبان فارسی بسیاری از اسمهای خاص وارد زبان ترکی شده است . مثلاً : گلزار، پروین، نسرین، بهتر، شادمان، شادی، شبنم، شیرین ... و غیره اینها فعلا در زبان خود مروج است .

ج - اسمهای جنس :

در زبان ترکی اسمهای جنس فارسی فراوان استعمال میشوند : مثلاً کلمه بنفش (*Menek e* استفاده میشود) ، لاله، سنبل، شبوی، زنیق، سیاه، چشمه، پادشاه، پهلوان، بسته ، خروس .



د- اسمهای مکان (که بعضی ها تلفظ شیوه ترکی را بخود گرفته است)

پسوندهای واژه ساز که در فارسی بخاطر ساختن اسمهای مکان استعمال میشوند از فارسی عاریت گرفته و استعمال شده است . مانند : (گاه، گه، کده، ستان، زار، دان، لاخ، سار). قبله گاه، تجلیگاه، میکده، گلستان، گلزار، بحوردان، سنگلاخ، چشمه سار و غیره . و همچنین با استفاده در آخر یک اسم از کلمات "خانه و سرای" اسمهای مرکب زیادی وارد زبان ما شده است. مانند: ساحل سرای، مهمانخانه، مهمانسرای، گلشنسرای، مسافرخانه، مهندسخانه، توپخانه و غیره . گرچه بعضی از زبان شناسان تشکیل این گونه کلمات را از کلمات ترکی مناسب میبینند اما حسین کاظم قدری ، بهتر بودن استعمال کلمه های "آش ایوی" بجای (آشخانه)، "قونوق ایوی" بجای (مهمانخانه) را در زبان مادری خود بیان میکند و او نیز چنین میگوید: اگر اینگونه کلمات و پسوندها بجای اینکه از فارسی ویا از یک لسان دیگر گرفته شود ، در زبان خود و از امکانات خود ساخته شود اولی تر است و به آنها احتیاجی نمی ماند ."

ه- ادوات

بعضی ادوات فارسی الاصل در زبان ما استفاده میشوند . مثلاً: باری، چون، چونکه، اگر، گویا، هر، هرگز، هیچ، که، مگر و غیره ادوات زیادی را میتوان بشمار برد .

۲-عبارت های اضافی و توصیفی فارسی که وارد زبان ترکی شده

است :



عبارت های اضافی و توصیفی در مثال های " کلمه شهادت، غیر اختیاری، دورِ
 دایم، ضرب مثل، چشم سیاه " بر عکس عبارت های زبان ترکی به یک ردیف می آیند .
 در عبارات فارسی یکی از کلمات و یا هر دوی آنها فارسی و یا عربی بوده میتواند . اگر در
 عبارت توصیفی هر دو کلمه عربی باشد صفت به موصوف خود از نگاه تذکیر و تأنیث،
 افراد و جمع بودن مطابقت داشته باشد . مثلاً : اثر نافع، انسان کامل که در این دو مثال
 موصوف و صفت هر دو مفرد مذکر است . و در عبارات : وکالت جلیله، مدیریت عالیه،
 کلمه واحده ، اسم مفرد و مونث بوده از این سبب صفتش نیز مفرد و مونث آمده است . در
 زبان ترکی این عبارت ها چون استفاده شوند بدون ترک قواعد عربی همچنان بکار برده
 شدند .

یکی از پیشگامان ساده نگاری در زبان ترکی عمر سیف الدین (۱۸۸۴-۱۹۲۰) به
 کلمات وارده از زبان های عربی و فارسی را بنا بر احتیاج رضایت نشان میدهد و باز هم
 عبارت سازی به شکل قواعد گرامری این زبان هارا در ترکی مخالفت میکند . واو چنین
 تأکید میورزد: این عبارت ها بخاطر زیبایی استعمال شده و غیر از عبارت های کلیشه - که
 مردم آنها را میدانند- باید ترک شوند . " حسین کاظم قدری اخذ و نقل عبارت های
 تشکیل یافته به قواعد گرامری یک زبان دیگر را به زبان ترکی تنقید میکند .

۳ - کلمات عربی الاصل که از طریق فارسی آمده است :



کلمات کثیر عربی از طریق فارسی وارد زبان ترکی شده است. در نگاه نخست این کلمات چنین بنظر میرسد که بیک لغزش مفهومی دچار شده و ترکی وانمود گشته است. و آنگونه که از طریق فارسی بزبان ما وارد شده همان معنی را افاده میکند که در فارسی زبانان به آن‌ها حمل میکنند. برای اینها مثالهای زیادی را میتوان داد. مثلاً مساعده، اخراجات، اتحالات (ادخالات)، اختیار، غیرت، موضوعات، مبتلا و غیره.

۴- کلمات ساخته شده با پیشوند های فارسی :

بعضی کلمات فارسی متشکل از پیشوند های واژه ساز مثلاً (بی، با، بر، پر، چون، نا، هم") به ترکی داخل شده است. غم - بیغم، کمال - باکمال، دوام - بردوام، هوش - بیهوش، جدّت - پُر جدّت (خشم - پرخشم) خور - چونخور؟، اهل - نا اهل، درد - همدرد و غیره.

۵- کلمات ساخته شده با پسوند های فارسی:

۱- همچنین کلمات متشکل از پساوند (یای نسبت، مند، ناک، گین، یار، آنه، ین، ور، وار، وش، آسا، مانند، کار، گر، بان، دار، وان، نام، گون) از فارسی بزبان ترکی وارد شده است. فارس - فارسی، هنر - هنر مند، غم - غمناک، اندوه - اندوهگین، حزن - حزن آگین، بخت - بختیار، مرد - مردانه، زر - زرّین، نام - نامور، دیوانه - دیوانه وار،



پری - پریوش، ملک - ملک آسا، فرشته - فرشته مانند، ثنا - ثناگار، آموز - آموزگار، باغ - باغبان، کین - کیندار، باغچه - باغچه وان، گل - گلغام، نیل - نیلگون و غیره .

ب - از پسوند های واژه ساز "چه" برای تصغیر اسمها وارد زبان ما شده است. مانند "کمانچه، باغچه، دکانچه" و غیره .

ج - صفات مقایس برتر در فارسی نیز بترکی داخل شده است . مانند : کم - کمتر، کمترین .

۶ - بعضی کلمات مشتق از افعال فارسی مانند صفت فاعلی، صفت مفعولی و صفت مشبه به ترکی وارد شده است . مثلاً : خواننده، آراسته، بنا، گذران و غیره که با آورده شدن پسوندهای صفت فاعلی و مفعولی در آخر هر کلمه تشکیل شده است .

ما در محتوای تبلیغ خود در ارتباط عبارت ها و کلمات فارسی در زبان خود را بررسی و تمثیل آنها سعی نمودیم. برخی از این عبارت ها فعلا در زبان ما استعمال ندارند. زیرا بعد از تأسیس جمهوریت در کشور مان در قاب بعضی فعالیتها زیر نام انقلاب حرف کلمات فارسی و عربی را از زبان تصفیه نمودند و در نتیجه این ابتکارات بین زبان ترکی قبل از جمهوریت و بعد از جمهوریت یک مقایسه صورت گیرد، کاهش کلمات فارسی در زبان ترکی بعد از جمهوریت را میتوان مشاهده کرد. لکن علی الرغم آن کلمات زیاد فارسی حالا بزبان خود اضافه میشود و استفاده هایشان نیز ادامه دارد. حتی زبان ترکی بعضی از کلمات فارسی را آنگونه تصاحب نموده و از خود ساخته که در نگاه اول فارسی



بودن آن بعضاً فهمیده نمیشود. اساساً تعاطی کلمات بین زبان‌ها یک‌ظاهرة اجتناب‌ناپذیر است. در روی دنیا هیچ‌زبانی وجود ندارد که با زبانهای دیگر تأثیر نپذیرفته و تعاطی نداشته باشد. "پیام صفا"^۱ (۱۸۹۹-۱۹۶۱) بقول مشهورش این حقیقت را چنین خلاصه کرده است: "فهمیدم که هیچ‌زبانی بخود صد در صد بوده نمیتواند."

"آگاه سِری لوند" (۱۸۹۴-۱۹۷۸) بنا بر بعضی اسباب در هر زبان بعضی کلمات اجنبی وجود میداشته باشد. "بنظر او بمرور زمان کلمه‌های مانند: اصالت خود را از دست داده و ترکی شده، هنوز کلمه مناسب برای آن پیدا نشده، کلمه مناسب پیدا شده و جایگزین شده، کلمه‌های جدید استعمال شده بجای کلمهای پیشنهاد شده لکن قبول نشده ... " تمامی اینها برای گرفتن یک کلمه از زبان اجنبی، سبب تشکیل کرده میتوانند."

کلمه‌های فارسی که بزبان ما وارد شده اگر در ارتباط سبب‌های مذکور آگاه سِری لوند تصور شود برخی از آنها در زبان آنگونه جایگزین شده و شکل ترکی بخود گرفته است که نمیتوان بجای آنها کلمه را استعمال کرد. مثلاً: کلمه‌های "تزگاه(دستگاه)، هوجه (خواجه)، چشمه، سیاه و مانند اینها را ترکی اتخاذ نموده وبخزینه خود اضافه و از خود کرده است. محمد قاپلان در این مورد چنین میگوید: "هزاران کلمه از فارسی و عربی به زبان ترکی وارد شده و به بنیاد زبان مثل یک عنصر طبیعی مزج شده و کسی اجنبی بودن آنها را درک نمیکند. این بدین معنی است که آنها بعد از این مال

^۱ ادیب و زبان‌شناس ترکی



زبان ترکی شده اند. " هنگامیکه ابتکارات و فعالیت‌های انقلاب حرف در پی کاهش دادن کلمات اجنبی در زبان ترکی بوده، سبب نا توانیشان به ایجاد موانع برای بعضی کلمه های زنده و بر حال استعمال زبان، در سخنان محمد قاپلان مخفی است. این هم لزوم ارزیابی زبان را مثل یک موجود زنده نشان میدهد. از نظر کلمات فارسی هم مسئله اینچنین است.

نتیجه

مثلاً اثر مردم و فرهنگ ها بیساری از جهت ها با مردم و فرهنگ های همجوار، تأثر زبان ها با همدیگر که وسیله انسانهاست یک ظاهره طبیعی است. زبان فارسی برای زبان ترکی نه فقط از جهت ارتباط همسایگی، بلکه از جهت تاریخی، ادبی، فرهنگی و دینی به یک رابطه نزدیک و شمول را دارا میباشد. نتیجه طبیعی این نزدیکی تعاطی و آمیزش کلمات در هر دو زبان خواه کلمات باشد خواه برخی دیگر عناصر زبانی و عبارت ها میباشد. اگر اینها خوب بررسی شود، دارا بودن هر دو زبان به بعضی عناصر زبانی را میتوان یافت. فعالیت‌های که در زمان انقلاب حرف در کشور مان انجام یافت، ابتدا در سر تصفیه کلمه های عربی و فارسی از ترکی بنظر گرفته شد اما پیروز به مانع استعمال آنها نشدند. و در بین زبان های همسایه دایم میتوان یک تعاطی را مشاهده کرد. و علاوه بر این برخی از کلمات و عناصر فارسی امروز در ترکی آناتولی استفاده ندارند، بلعکس در کتاب های تألیف شده قبل از دوره جمهوریت در به چشم میخورند. برای شناخت فرهنگ گذشته و وسیع مثل قیمت اشیاء عتیقه، فهمیدن و درک این عناصر ضروری میباشد.



مآخذ:

- اوزدن، راغب خلوصی (۲۰۰۹)، مقاله های زبان شناسی، تهیه شده توسط: رجب توپارلی، انقره. ص. ۴۰۸.
- چاوش اوغلو، محمد (۱۹۸۶)، دیوان شعری، "ترک دیلی ترک شعری" (شماره مخصوص ۲) شماره: ۴۱۵-۴۱۷.
- کوپرولو، محمد، فواد (۲۰۰۹)، "ترک ادبیاتی تاریخی"، ناشر: اورخان کوپرولو، انقره، ص ۱۴۱، و همچنین برای تأثیر زبان فارسی دزبان و ادبیات ترکی نگاه کنید: تانپینار، احمد حمدی، اون دوکوزونجی عصر ترک ادبیاتی تاریخی، ناشر: عبدالله اوچمان، استانبول، ۲۰۱۲، ۲۳-۲۹.
- لوند، آگاه سرّی، "ترک دیلینده گلیشمه و ساده لشمه اورّه لری"، ص ۵-۶-۷.
- اقسان، دوغان، زبان از هر جهات، ص ۱۳۸.
- نک، آقسوی (۲۰۰۶)، عمر، عاصم، حقیقت زبان، انقره. ۴۱.
- قدری، حسین کاظم (۱۹۴۳)، ترک لغاتی، استانبول، ۱۹۴۳، مقدمه، ج ۱/ ۹۵.
- کاشغری، محمود (۲۰۱۳)، ترجمه دیوان لغات الترك، مترجم: بیسیم اتالای، انقره، ج ۱/ ۲۹.
- حاجی امین اوغلو، نجم الدین (۱۹۹۲)، ادوات در زبان ترکی، استانبول، ۱۹۹۲.
- عمر سیف الدین (۱۹۹۹)، مقاله ها در باره زبان، انقره، ۱۹۹۹، ۲۸-۳۱.
- صفا، پیامی، عثمانلیجه (۱۹۹۰)، ترکچه، اویدورمه جه، استانبول، ۱۶۸.
- لوند، آگاه سرّی (۱۹۷۳)، بر سر زبان، انقره، ۶۷.
- آقسوی، عمر عاصم (۲۰۰۶)، حقیقت زبان، انقره، ۴۱.



“X ta” m fhumu v onun Füzuli eirind ifad si

Mahir Quliyeva

Xülas

Q l mini üç dild m har tl sınayan Füzuli sözü misilsiz bir m n viyyat x zin sidir.

Klassik d biyyatda Quran ay l rind n h m islamın müq dd s kitabı, h m möht m s n t abid si, h m xlaqi-m n vi qaynaq, h m d yı cam, ibr tamiz ifad l r klind istifad edilmi , bununla da airl r öz sözl rinin etibarını artırma a çalı mı lar.

Söz s n tind Quran airl rin istinad etdiyi sas örn k olmu dur v Füzulinin b dii irsi bu c h td n istisna deyil.

Füzuli s n tind “x ta” m fhumu özünü iki kild göst rir:

1. Qurana ba lı x talar (t l ffüz, qira t, yazı)
2. nсан davranı ma ba lı x talar (s hvl r)

Quranın qira ti il ba lı olan x taları da öz növb sind üç yer ayıra bil rik.

1. Quranın t cvid qaydalarına sas n tilav ti
2. Quranın avazla qira ti
3. F rdin (qarenin) avazı

Quran – s cli n srdir. Bu baxımdan da h rfl rin s si, ah ngi, musiqililiyi onun b la t göz lliyini t min ed n sas amill rd ndir. Quran h rfl ri s s baxımından el sıralanmı dır ki, h r bir h rfin s si bir musiqi kimi g lir, bu musiqinin t siri q lbl ri yum aldır, ruhları Qurana do ru c lb edir. Bu avazın b la t v ecazı, sözsüz ki, f rdin qabiliyy tin – avazına ba lıdır. Ona gör Füzuli bir qit sind Quranın qira tind x tadan ç kinm yi t kidl vur ulayır.

Ey x ta l fzil Quranın ükuhun sındıran,

Möcizi-ay ti-Qurandan h z r qılmazmısan?

H r lif x nc ri-xunrizi-burrandır s n ,

X nc ri-xunrizi-burrandan h z r qılmazmısan?

Bir h kimi-kamilin daru - fayi-hikm tin

Etm k ist rs n x rab, ondan h z r qılmazmısan?

M qal d x ta m fhumunun Füzuli eirind ki ifad xüsusiyy tl ri t hlil edilir.



“X ta” m fhumu v onun Füzuli eirind ifad si

Açar sözl r: orta srl r, x ta, qit , Quran, eir, t cvid

Q l mini üç dild m har tl snayan Füzuli sözü misilsiz bir m n viyyat x zin sidir. Z ngin hikm t, d rin etiqaq v m n vi kamillik m qamuna yüks lmi air öz yaradıcılı nda h yatın zahiri v daxili al mini, qli-m n vi öz llik v göz llikl rini ks etdirmi dir. Türk alimi prof.Dr. Ali Nihad T rlanın sözl ri il des k: “Fuzili devrinin sayılı alimlerindendir. Edebiyyatın en derin ve en ince noktalarına kadar inen bir zekaya sahiptir. Samimi bir lirizm ve hassasiyyet içinde sürüklenir gibi gördü ümüz air, arada öyle bir zeka parıltısı gösterir ki, insan, san`atkarın bu derece kendinden geçmi bir halde iken nasıl zekasını böyle keskin bir hale getirebildi ine hayret eder. Lakin bu zeka, öyle gizli i ler ki, asırlar bunun farkına varmamı v onu daima derin a kının ate leri içinde yanan samimi bir a ık olarak tanımu tır” (1, 14).

H qiq t n d Füzuli yaradıcılı nda lahi e q v bu e qin çe idli növl ri öz ksini tapır. Füzuli s n ti, qeyd etdiyimiz m zmun çalarlarının qayna ı olmaqla yana ı, b dii estetik duy u yaradan ah ngdar düz n v harmoniyanın v hd tidir.

slamda al min t sviri sözl – Quranın poetik düzüümü, s s ah ngi v emosional-estetik t siri il ba landı (2, 60). Bu da Quranın ecazkar m zmun v söz d y rinin v hd t klind s n tkarların yaradıcılıq b la tinin meyarı kimi çıxı etm si il n tic l ndi. Quranın r ngar ng söz, üslub, m na v poetik möcüz l ri d biyyata geni kild siray t etdi.

Orta srl rd air v dibl rin yaradıcılı nda Qurandan faydalanma müxt lif v r ngar ng olmu dur. Klassik d biyyatda Quran ay l rind n h m islamın müq dd s kitabı, h m möht m s n t abid si, h m xlaqi-m n vi qaynaq, h m d yı cam, ibr tamiz ifad l r klind istifad edilmı , bununla da airl r öz sözl rinin etibarını artırma a çalı mu lar.

Qurandan istifad sad c , air v dibin Tanrı k lamına xas olan r b tinin b yanı deyil, h m d s n tkarın ifad etdiyi



dü ünc l rin daha t sirli v m zmunlu olmasına xidm t edir (3, 140).

A.Bahadurovun ingilis dilind n t rcüm etdiyi “
” adlı m qal d mü llif bir qisim
aliml rin fikrin cavab olaraq Qurandan “t zmin” vasit sil
istifad ni plagiat deyil, airin fikrinin tamamlanması v ya
t sdiql nm si kimi d y rl ndirir: “...

” (4, 142).

Bu da s n tkar qar ısında sözüün d y ri, sözüün gücü, sözüün
sehri, möcüz si v n sası, sözüün eyni m nada, eyni m na
çalarları il i l nm m si kimi yeni-yeni v zif l r qoyur.

Sözüün h qiqi qiym tini v ç kisini bil n s n tkarlar onun
aydın, sad , t miz, t sirli, dol un v danı iq m qamına gör
müxt lif m na inc likl rind n istifad y ön m vermi dil r. Öz
yaradıcılı na m suliy tl yana an dahi Füzuli bu bar d yazır:
“El vaxtlar da olmu dur ki, gündüz ax ama q d r dü ünc
d ryasında dalıb söz almazı il m na gövh rini de mi m.”

air m zmun aydınlı na, sözüün xo ag limliyin , qula a
yatımlılı na, xalq arasında i l nm sin xüsusi fikir vermi ,
söyl nm mi sözü söyl nm diyin gör , söyl nmi i is artıq
söyl nildiyyin gör i l tm kd n vaz keçmi dir (5, 91).

X lif li () bu fikri nisb t n f rqli kild söyl mi dir:
“ g r nitqd t krarlar olmasa idi, nitq çoxdan tük nmi di” (4,
58).

H qiq t n, cüml v nitq söz vahidinin yerin , danı iq
m qamına, auditoriyaya uy un kild i l dil n inc m na
yönl ri baxımından yenil ir.

M h mm d Füzuli eiri daima t rav tlidir. airin h r
misrasının, h tta ayrı-ayrı k lm l rinin arxasında arif v kamil
insanın d rin elmi biliyi dayanır ki, bütün bunlara onun
yaradıcılı ı – yazdı ı m tnl r sasında ahid oluruq: “Edebiyat
tarihi evvela metnler tarihidir. Metnin bize verdi i ey
san’atkarın iç alemidir. Bunu muasır ilmin hudutları içinde



psikoloji, fizyoloji ve bilhassa psikopati bakımlardan inceleyir, san'atkarın ruh portresini vücuda getirmeden bilgi, his, fikir, hayal meleklerindeki kudretini muayyen usullerle ortaya koymadan onu edebiyat tarihi içine oturtamayız. Bu tedkik insan denem problem üzerinde oldu u için çok ümullüdür" (1, 14).

"X ta" sözünün ifad xüsusiyy t l rini, sözün m na çalarlarını airin m tni sasında (q z l v rübail ri) izl y k;

Bu söz r b m n lidir. Sözün etimoloji m nası özünü iki kild göst rir:

1. , – s hv etm k, yolunu azmaq;

2. – günah etm k (6, 285).

Saytlarda bu sözün "hatakar" – yanlışlıq yapan, hata ed n, yanlış; hatayıyat – yanlışlıklar, yanlışlar; hatarkar – hatarlı, korkulu m naları da qeyd edilmi dir.

T s vvüf anlamı kimi x ta – ur v e q cazib sinin t siri il salikin x tası kimi izah edilir (13, 200).

Bütövlükd Füzuli yaradıcılı ı r q n z ri sisteminin ksi kimi d y rl ndirilir. Buna gör d , "x ta"nın bu sistemd – b la t elmind yerini mü yy nl dirm yi d lazım bildik.

Bel ki, bu elmin m x zi, m n yi olan üç t rkib hiss nin – m ani, b yan v b diinin bir elm kimi sistemliyinin t minind qrammatik v üslubu x talardan uzaq olmaq lazım g lir ki, bütün bunlar "x ta" ba lı ı altında t m rküzl dirilmi dir. Öz z ngin m na çe idl rini r q poetik sistemi üstünd sazlayan air bütün bunlara d rind n b l d idi. O, yaradıcılı nda sözl rin inc m na çalarlarından bu poetik formalara istinad n istifad etmi dir.

Füzuli s n tind "x ta" m fhumu özünü iki kild göst rir:

1. Qurana ba lı x talar (t l ffüz, qira t, yazı)

2. nsan davranı na ba lı x talar (s hvl r)

Quranın qira ti il ba lı olan x taları da öz növb sind üç yer ayıra bil rik.

1. Quranın t cvid qaydalarına sas n tilav ti

2. Quranın avazla qira ti



3. F rdin (qarenin) avazı

Quran – s cli n srdir. Bu baxımdan da h rfl rin s si, ah ngi, musiqililiyi onun b la t göz lliyini t min ed n sas amill rd ndir. Quran h rfl ri s s baxımından el sıralanmıdır ki, h r bir h rfin s si bir musiqi kimi g lir, bu musiqinin t siri q lbl ri yum aldır, ruhları Qurana do ru c lb edir. Bu avazın b la t v ecazı, sözsüz ki, f rdin qabiliyy tin – avazına ba lıdır. Ona gör Füzuli bir qit sind Quranın qira tind x tadan ç kinm yi t kidl vur ulayır.

Ey x ta l fzil Quranın ükahun sindiran,
Möcizi-ay ti-Qurandan h z r qılmazmısan?
H r lif x nc ri-xunrizi-burrandır s n ,
X nc ri-xunrizi-burrandan h z r qılmazmısan?
Bir h kimi-kamilin daru - fayi-hikm tin
Etm k ist rs n x rab, ondan h z r qılmazmısan?

(7, c. 1, 379).

Füzuli yaradıcılı ında Allaha, Pey mb r , insanı haqq yoluna aparan qanun v ehkamlara böyük sevgi, hörm t v ehtiramla yana ır. Sözüünün qüdr ti il oxucusunu da buna d v t edir. air qeyd etdiyimiz qit d Quranı s hvl rl oxuyanlara, onun ükuhunu, z m tini sindıranlara qar ı çıxır, üzünü h min adamlara tutaraq, r q v Q rbin n n h ng dahil rinin nur aldı ı, aqıl adamların faydalandı ı Quranın möcüzi si, t krarolunmaz ecazkar ay l rind n h z r qılmalarına ça ırır. Mü llif “Qurani-K rimin möcüzi vi ay l ri” – ifad si il müq dd s kitabın bütün m na çalarlarına – ibr t, hikm t v n sih tl rin i ar etm kl , fikrini insanı daha çox dü ündürm y vadar ed n t rzd , h m d Quran üslubuna xas poetik forma – istifh m üstünd n zm ç k r k oxucusunu “x ta” sözü il üzl dirir, bu sözün m na qatları il bizl rd xüsusi hiss v duy ular oyadan Allah-t ala k lamının Ona nazil oldu u r b dilind s sl ndirilm si yollarına – Qurani-K rimin tilav tin i ar edir.



r b lifbasının birinci *h rfi* olan “*lif*” *h m* sıra yerin gör , *h m qam tin düzlüyü* baxımından *d biyyatda* Allahın *r mzi i ar si* kimi çıxı edir. *M nb l rd bu h rfin m na* yükü il *ba lı müxt lif fikirl r* qeyd edilir: “ *r b* lifbasının ilk *h rfi*, “Allah” sözü *bu h rfl ba* layır. *lif varlı in ba lan ıcı v Tanrıya i ar dir.* Haqqın adları *lifd c ml ib v bu r mzl yegan varlı in substansiyasını ifad etm k* olur. Dem li, *lif z l* anlamına *v Haqqın h diyy t m rt b sin i ar dir*” (2, 76).

T bih üstünd qurulmu növb ti misrada *lif x nc ri-xunziri-burranla müqayis* edilir. Mü *llif lif h rfinin qüdr tini qabarıq kild oxucusuna çatdırmaq üçün* bu ifad ni *sual üstünd , özü d yeni m ntiqi vur u il t* krarlayaraq *x tanın adi “x ta”* olmadı *ını v Quran oxuyanların bundan h z r qılmalarını t kidl* yir.

Qurani-K rimin m tnind t krir olduqca *geni kild i l dilmi* dir. *bn Qüteyb qeyd* edir ki, *Quran, h dis v qiss l rd* olan *t krar deyiml r insanları q fl td n ayultmaq üçündür* (3, 58).

Füzuli d m hz fikrinin insanlarda t sir gücünü artırmaq üçün Quran b la tinin sas üslubi xüsusiyy tl rind n – t krird n istifad etmi dir.

Allahın “*smaül-hüsna*” adlanan adlarından birin (*h kim – hikm t sahibi*) *müraci t ed n Füzuli kamil bir h kimin hikm tli fa t evini x rab ed nl r bir daha müraci t ed r k,* onların *bu x tadan da immalarını tövsiy* edir.

Sadrul – slam dövrünün c miyy t n böyük tası olan Qurana d rind n b l d olan *air “x ta-l fz” ifad si il n l r i ar etmi* olur?

“*X tal fz*” anlamı altında *air Quranın nüzulundan sonra, xüsus n Hz. M h mm din v fatundan sonra* bu möht *m kitabın qira tind yaranmı olan b zi mübahis l r i ar etmi* dir: “*Pey mb r leyhiss lamın bir çox shab si Qurani-K rimi zb r bil r, h r hansı bir ay nin nazil olma s b bini, hökmünü, d qiğ m nasını ondan soru ub öyr n rdil r. Müxt lif r b q bil l rin m nsub* olan *bu shab l rin h r biri m tni* sabit



saxlamaq rtil Allah k lamını öz l hc sin müvafiq sur td oxuyardı. Bu zaman qira td mü yy n f rql r m l g lirdi. M h mm d leyhiss lamın özü buna izin ver r k bel demi dir: “Quran yeddi l hc d nazil olmu dur. Sizin üçün hansı l hc d mümkündürs , h min l hc d d oxuyun! Lakin Pey mb rin v fatından sonra v ziyy t d yi m y ba ladı. Quranın qira tind ki sövti f rql r b z n l fzi f rql r g tirib çıxarırdı, b zi sözl rin yaxın v ya ox ar s s t rkibli ba qa sözl rl v z edilm sin s b b olurdu. Qurani zb r bil n shab l rd n h r biri öz qira t variantını düzgün hesab edir, Allah k lamının m hz bu cür nazil oldu unu iddia edirdi. N tic d , Quranın nec oxunması bar d böyük h rl rd mübahis l r ba landı, müs lman icmasının müxt lif firq l r bölünm si, müq dd s kitabın t hrif olunması t hlük si yarandı. Ümm tin a ılılı ba çıları bu bar d dü ün m y , yaranmı v ziyy td n çıxı yolu axtarma a m cbur oldular (12, VI).

M nb l rd Qurani düzgün oxumaq üçün a a ıdaki üç qaydadan istifad edilm sinin vacibliyi qeyd edilir:

1. Quran oxunmazdan önc riay t edil si qaydalar;
2. Quran oxunark n riay t edil n qaydalar;
3. Quran oxunandan sonra riay t edil n qaydalar;

Füzulinin qit sin sas n biz ikinci bölm ni açıqlamalayıq (8, 532).

Bu b nd sas n ön mli m qamlardan biri v n birincisi Qurani zb r deyil, üzünd n oxumaqdır. Hz. Pey mb rin sözl ri il des k: “Ümm tin n üstün ibad ti Qurani üzünd n oxumaqdır” (10, 543).

Hz. Pey mb r (s.a.s) gör : “Qurani öz (göz l) s sl rinizl göz ll dirin (9, 544).

mam Sadiq gör , “Quran tez-tez v sur tl yox, t rtil (asta-asta) oxunmalıdır (8, 543).

mam Sadiq g linc , o, bel buyurmu dur: “H qiq t n d Quran hüzn l nazil olmu dur. El buna gör d onu hüzn l oxuyun (10, 544).

mam Rza () slam Pey mb rinin (s.a.s) bel buyurdu u- nu n ql etmi dir: “Öz s sinizl Qurani göz ll dirin” (10, 545).



Ay l rin birind is “Quran oxunark n, onu dinl yin v sükut edin” (raf: 204) – fikri öz ksini tapmıdır.

Pey mb rin (s.a.s) a a ıdaki fikri xüsusil maraqlıdır: “Qurani el oxu ki, s ni ç kindirsin” (11, 4).

Qurani-K rimin tilav t edilm si haqda Pey mb rd n (s.a.s) çoxlu h displ r vardır: “Qurani m har tl oxuyan, hörm t sahibi olan m lisalehlil rl bir m qamdadır, Qurani höcc l y - höcc l y oxuyan, lakin oxuma a böyük h v si olanın is mükafatı ikiqatdır” (11, 4).

...Qurani-K rimi oxuyark n, ...lazımlı yerl rd dayanın... H rfl rin öz m xr c hüdundan k nar çıxmasından h z r et” – buyurur mam C f r s-Sadiq (11, 4). Hz. Pey mb r (s.a.s) dig r bir h disd buyurur: “Bir çox Quran oxuyanlar vardır ki, Quran onlara l n t edir (8, 547).

M h mm d Füzuli bu qit sinin m zmunu v x ta sözünü arxasındaki m na qatları il insanları, xüsus n, qarel ri düzgün tilav t ça ırır.

Tilav t – ibad tin bir formasıdır, çünki Allah-t ala özü Qurani-K rimin l-Müzz mmil sur sinin 20-ci ay sind “...Qurandan siz müy ss r olanı oxuyun...” buyurur (11, 4).

Füzulinin bir ba qa q z lind is “x ta” sözü “t qsir” m nasında i l dilib:

X ta s nd n deyil, cismim oxundan bin sib olsa,
Hübabi- ki-gülgün içr ninhan etdi imd ndir

(9, c.1, 122).

air bu beytd “ g r cismim s nin atdı in oxdan pay almaşa, bunun t qsiri (x tası) s nd deyil. Bunun s b bi cismimi gül r ngi il (qanlı göz ya t) il gizl tdiyimd ndir”, – deyir.

air bu beyti “x ta” v onun s b bini açmaqdan, m na çalarını qüvv tl ndirm kd n, hadis nin s b b v n tic sini göst rm kd n ötrü “hüsnü-t lil” üstünd qurmu dur. n z rif biçimli deyiml rl ifad olunan m ntiqi ba lıq, s b b v n tic arasındakı münasib t Füzuli yaradıcılı nda geni kild i l dil r k, onun airan sözün göz llik v öz llik g tirir.



Ba qa bir beyt n z r salaq:

S n derl r buti-Çin, zülfün züinar söyl rl r.
Z hi-imanı yoxlar, küfr söyl rl r, x ta derl r (9, c. 1, 128).

T bih v t qsim s n ti üstünd yazılan (S n-Çin bütü, saçın-zünnar, imanı olmayanların sözl ri is küfr v x tadır) bu beytd x ta sözü “yanlı , yalan, s hv” m nasında i l dilmi dir.

Füzulinin ba qa bir beytind “qul il x ta” sözl ri üzl dirilir:

Füzuli, a iq onlar ki, derler t rki-e q eyl ,
Dem zl rmi x ta, t yir qıl hökmi-q za derl r
(9, c.1, 128).

Füzuli beyti m ntiqi baxımdan qüvv tl ndirm k üçün r q poeziyasında geni yayılmı v Quran üslubuna xas olan xitabın “t cridi-qeyri-m hz” növünd n istifad ed r k özün müraci t edir, bununla da müxatibinin n z r-diqq tini eirin m zin yön ltmi olur.

E q-ilahi nurdur, t liml deyil, Haqq t r find n verilir.
A iq bel bir e qi t rk et! – dem k olarmı? Q zanın hökmünü d yi m k ist y nl r (x ta) günah etmirl rmi? – dey n Füzuli beytd özün müraci t etm sin baxmayaraq, xalqı q fl td n oyatma a çalı ır, dig r t r fd n, insanları dü ün m y v deyil nl rd n öz n tic l rini çıxartma a vadar ed n istifh m s n tind n istifad edir ki, bu da eiri b la tlilik baxımından daha da t sirli edir.

Beytd söhb t ilahi e qin t rkibind n, q zavü-hökmün d yi m sind n gedirs , sözsüz ki, “x ta” sözü burada “günah” anlamında i l dilmi dir.

Ba qa bir nümun y müraci t ed k:

H kim n fyi-qiyam t x tasını bildir,
Qiyam göst r ona, etiqađını et zail (9, c.1, 284).



“Filosofa qiyam tin inkar etm yin x tasını b lli et, ona qiyam ti göst r, onun etiqadını puç el ” – m zmunlu beytd “x ta” – yanlı lıq m nasında i l dilmi dir.

Mush f dem k x tadır ol s fheyi-c mal ,
Bu bir kitab sözdür, f hm ed n hli-hal (9, c.1, 295).

Quran sözüniün m nası “oxumaq”, “t l ffüz etm k”, daha do rusu, Allahdan M h mm d (s.a.s) nazil olan sözl rin oxunması, t l ffüz edilm si dem kdir. Qurana, h mçinin, müsh f (s hif l nmi kitab, lül halında bükülmü ka ız), zıkr (x b rdarlıq, xatırlamaq, öyüd-n sih t), fürqan (haqla nahaqqı ayırd ed n) v s. deyilir (12, VII).

Füzuli bu beytind “üzün” istiar si olan “s fheyi-c malı” müsh f b nz d nl rin m ll rini x ta (s hv) kimi d y rl ndirir. Xaliqın kitabını xilq tin üzü il eynil dirm k n d r c d düzgün ola bil r? “Anlayan, ba a dü n adam üçün bu, bir kitab sözdür, – dey n Füzuli söz anlamı altında insan sözü, b r k lamını deyil, heç bir ey b nz m y n Allah k lamını n z rd tutur.

Bükülmü q ddimi qurtar gör qüllabi-zülfünd n,
X tadır, ç km sin çox ba rı çökmü bir sınıq yayı
(9, c.1, 307).

Bükülmü q ddinin qüllabi-zülf d n qurtarmasını dil y n air, eyni zamanda, q ddini ba rı çökmü bir sınıq yaya b nz dir v bu sınıq yayın çox ç kilm sini (tarıma ç kilm sini) ist mir. Bunu “x ta” (s hv m l) kimi d y rl ndirir.

Mi ki-Çin zülfün il eyl s d va, n c b,
N olur üzü qara qulda x tadan qeyri? (9, c.1, 313).

“Çin mü kü saçınla mübahis ets , üzü qara qulda x tadan ba qa heç bir ey ola bilm z, – dey n Füzuli istifh m üstünd yazılmı bu beyti il qulun acizliyin , miskinliyin , h r eyd n



m hkum olmu insana i ar edir. Bu beytd x ta, da ıdı ı bütüin m na çalarları il n zm ç kilmi dir.

Az rbaycan folklorunda “qul x tasız olmaz” deyimi h min fikr d lal t edir.

Maraqlı nümun l rd n biri d a a ıdaki beytdir:

*D ft ri- malımın x tti x tadandır siyah,
Qan tök r çe mim, x yal etdikc hövli-m h ri*

(9, c.1, 303).

nsanın bütüin h yat yolu m l kl r t r find n yazılır. nsan axir t dünyasını m hz bu d ft rd ki m ll ri n tic sind qazanır.

“ m l d ft rinin yazısı x tadan qaradır, m h rin d h tini gözümün önün g tirdikc , gözüm qan tökür”, – dey n Füzuli insanın lövhi-m hfuzuna i ar edir. Bütüin h qiq tl r Haqqın yanında görün n lövh y yazılır. H min yazıya pozu yoxdur. lahi sirl r yaxın olan insanın q lbi h min lövh kimidir (13, 115).

Bu beytd i l dil n “x ta” sözü insanın h yatındaki bütüin x taları n z rd tutur. Bu x talar o q d r çoxdur ki, air m h rin sor u-sualından qorxur.

Füzuli yaradıcılı ında “x ta” sözünü sufı v dini anlamlarla ba lı çalarlarından daha çox istifad edilir. “Ey Füzuli, h r m l qulsan x tadır qeyri- e q, bu durur m n bildigim, v llahü l m bis-s vab” F. . c.1, s. 80; “Xöyfi-x tad müxt rib m, var ümid kim, Lütfün ver b ar ti- fvü ta mana” – F. . c.1, s.53.

Sözl rin müxt lif düzüm v çe idli t rzd i l nm si, inc m na f rql ri göst rir ki, i l nm xüsusiyy tind n asılı olaraq, onların m zmun v t siri çox ax lidir. Zahir n eyni görün n sözl rin bu sayaq f rql rini ara dırmaqla, m na inc likl rini üz çıxarmaq olar. H min inc f rql rin mahiyy ti b la t elmi il a kar edilir. M hz el Füzuli d , klassikl rin bir qismi kimi, s n tind ecazkar b la tin t r nnümçüsüdür.

Maraqlı m qamlardan biri d Az rbaycan klassik dövr airl rinin bir qisminin bu t x llüsl yazmasıdır. Mü yy n



s b bl rl ba lı t x llüs kimi götürülmü bu söz h r aird eyni m na da imamı , çalarlarının müxt lifliyi baxımından seçilmi dir.

D B YYAT

1. *li Nihad T rlan. Füzuli Divanı rhi. Ankara, 2005.*
2. *N.Göyü ov. Füzuli: Dü ünc v ruhun poetikası. "Elm v t hsil", Bakı, 2011.*
3. *M.Quliyeva. Quran b la ti v Az rbaycan d biyyatı. "Nafta-Press", Bakı, 2008.*
4. « . » . , 1981 .
5. *M.Quliyeva. Klassik r q b la ti v Az rbaycan d biyyatı. Bakı "Ozan", 1999.*
6. 1977 .
7. *ah smayıl X tai. s rl ri, ADN. Bakı, 1976. T rtibçi: .M mm dov.*
8. *M.Quliyeva. r q poetikasının sas kateqoriyaları. Bakı, "Maarif", 2010.*
9. *M h mm d Füzuli. s rl ri, c. 1. Az rbaycan SSR Elml r Akademiyası, Bakı, 1958.*
10. *Hacı lqar smayılzad . Quran elml ri ensiklopediyası. Müq dd s Qum h ri: M h mm d Hadi M rif t. 18 zülhicc /1426/ Q diri-xum bayramı (19.01.2006).*
11. *V.Qarada lı. T cvid. Bakı, "Elm", 2011.*
12. *Qurani-K rim. r b dilind n t rcüm ed nl r: Z.M.Bünyadov, V.M.M mm d liyev. "Kozan Ofs t". Ankara, M h rr m, 1418/1997.*
13. *N.Göyü ov. T s vvüf anlamları v d rvi lik r mzl ri. "Tural- ", Bakı, 2001.*

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی

مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها

اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله